



1986
Imam Hossein
Comprehensive
University

Received : 27 September
2023
Revised : 16 November
2023
Accepted : 19 December
2023
Published : 22 December
2023

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Educational works of interacting with the Holy Quran with an audience-centered approach

Mohammad Nabizadeh¹ | Mahmoud Nabizadeh² | Mohammad Reza Behzadi³

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.61.2.8

Abstract

Trying to understand the message of the verses of the Quran in such a way that it can solve the problems of the individual and the society in the current era is possible only if the world is addressed to the world as the Quran speaks to them in the language of nature. Know the Quran and expose yourself to this breeze of mercy by trying to develop the nature. In order to achieve this purpose, conditions and criteria are necessary that the audience of the Quran must meet in order to be able to enjoy the educational works and blessings of the Holy Quran. The result is audience oriented and the Quran reciter can benefit from them in different personal and social fields in line with his education and guidance. Based on the results of this research, the audience-oriented educational works in relation to society at the macro level are: monotheism, the implementation of laws based on the holy Islamic law, the establishment of religion and its commands, and the explanation of the family's position and its role. The works of social education at the micro level are works such as creating social relations based on dignity, brotherhood and brotherhood, respecting the rights of people, unity and empathy, cooperation in good deeds, promoting good and forbidding evil, and a communication system based on good and advice.

Keywords: Quran, central audience, interaction with verses, educational works of Quran.

1. Lecturer and researcher, Faculty of Social Culture, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran

2. Corresponding author: Master of Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: mahmoodtoa21@yahoo.com

3. Master of Quran and Hadith Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran.

Cite this Paper: Nabizadeh, M & Nabizadeh, M & Behzadi, M (2024). Educational works of interacting with the Holy Quran with an audience-centered approach. Research in Islamic Education issues, 31(61), 11–44.

Publisher: Imam Hussein University **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).





آثار تربیتی تعامل با قرآن کریم با رویکرد مخاطب محوری

محمد نبی زاده^۱ | محمود نبی زاده^۲ | محمدرضا بهزادی^۳

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.61.2.8

چکیده

سعی در فهم پیام آیات قرآن به صورتی که بتواند مشکل فرد و جامعه را در دوران کنونی حل نماید، تنها در صورتی ممکن است که همان‌گونه که قرآن مخاطب خود را جهانیان قرار داده و با آن‌ها به زبان فطرت سخن گفته، جهانیان نیز خود را مخاطب قرآن بدانند و با تلاش برای شکوفاسازی فطرت، خود را در معرض این نسیم رحمت قرار دهند. برای رسیدن به این مقصود، شرایط و ضوابطی لازم است که مخاطب قرآن باید آنها را احراز کند تا بتواند از آثار و برکات تربیتی قرآن کریم برخوردار گردد. در پژوهش پیش رو با شیوه‌ی توصیفی تحلیلی، به تبیین آن دسته از آثار تربیتی پرداخته شد که نتیجه مخاطب محوری است و تلاوت کننده قرآن می‌تواند از آن‌ها در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی در راستای تربیت و هدایت خویش بهره‌مند شود. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، آثار تربیتی مخاطب محوری در نسبت با اجتماع در سطح کلان عبارتند از: توحید محوری، اجرای قوانین مبتنی بر شرع مقدس اسلام، اقامه‌ی دین و فرمان‌های آن، و تبیین جایگاه خانواده و نقش آن. آثار تربیتی اجتماعی در سطح خرد هم آثاری مانند ایجاد روابط اجتماعی کرامت‌محور، اخوت و برادری، رعایت حق الناس، وحدت و همدلی، تعاون در کارهای خیر، ترویج امر به معروف و نهی از منکر و سیستم ارتباطی مبتنی بر خیر و نصیحت را به همراه خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مخاطب محوری، تعامل با آیات، آثار تربیتی قرآن.

۱. مدرس و پژوهشگر، دانشکده فرهنگی اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

Email:nabizadehababaki@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

استناد: نبی زاده، محمد و نبی زاده، محمود و بهزادی، محمدرضا (۱۴۰۲)، آثار تربیتی تعامل با قرآن کریم با رویکرد مخاطب محوری،

پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۶۱)، ۴۴-۱۱.

DOR: <https://dor.lnet/dor/20.1001.1.22516972.1402.31.61.2.8>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع) نویسندگان

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

در تفسیر قرآن کریم، عمده تلاش مفسر بر آن است که مراد خدای متعال از تک تک آیات، سوره‌ها و مجموعه قرآن کریم را به دست آورد. حال اگر دانستیم که مقصود اصلی و اعلا‌ی قرآن کریم از نزول این آیات، تعالی دادن انسان و رساندن او به قرب الهی است؛ پس خواهیم پذیرفت که تک تک ما انسان‌ها، هم اکنون و در طول حیات خود تا قیام قیامت مخاطب این کلام الهی خواهیم بود، دقیقا به همان نسبتی که جامعه عصر نزول مخاطب تک تک آیات آن بود. ثمره این تفکر آن است که دیگر صرفا همچون یک ناظر بیرونی به قرآن کریم نگاه نخواهیم کرد و آیاتش را مورد بررسی صرف علمی قرار نخواهیم داد؛ بلکه معتقد خواهیم شد که قرآن تک تک انسان‌ها را مخاطب قرار داده است و هر لحظه در حال تکلم با آن‌هاست.

در روایات ائمه‌ی معصومین (ع) سخنانی مشاهده می‌شود که بر جریان حاکمیت آیات قرآن کریم در همه دوره‌ها تاکید دارند. برای نمونه حدیث امام پنجم (ع) که درباره ظاهر و بطن قرآن کریم می‌باشد: «از حمران بن اعین نقل شده که گفت: از امام باقر (ع) درباره ظاهر و باطن قرآن مجید سؤال کردم و ایشان فرمودند: ظاهرش اشخاصی هستند که قرآن در مورد آن‌ها نازل شده و باطنش اشخاصی که اعمال مردمان را تکرار می‌کنند. قرآن همان‌گونه که آنان را در بر می‌گرفت، شامل حال این‌ها نیز می‌شود» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱: ۱۱). این روایت بیان می‌کند شأن نزول که اصطلاحا خاص دوران نزول است، در دوران بعد از نزول متوجه افرادی است که اعمالی مشابه موارد نزول داشته‌اند. بنابراین قرآن دائما در حال نزول است و شأن نزول آن دائمی است و به این معنی اصلا قرآن شأن نزول ندارد. توجه به زنده بودن قرآن کریم ثمرات و نتایجی را در بر دارد. از جمله این ثمرات آن است که چون این کتاب حی است و شعور دارد، باید با آن انس گرفت و محرم شد و در این هنگام است که قرآن با انسان سخن می‌گوید. نامحرم کسی است که با قرآن انس و محبت ندارد، اگر هم یک موقعی قرآن را باز می‌کند، از سر بی میلی است و مشتاق نیست. بر اساس آن چه گفته شد یکی از آسیب‌های مهم در تلاوت و فهم قرآن کریم نگاه صرفا علمی و نظری و تاریخی به آیات است در حالی که تلاوت آیات باید به هدایت و تربیت شخص منجر شود. مهم‌ترین راه حل برای این مشکل، خود را مخاطب آیات و اوامر و نواهی قرآن دیدن

در هنگام تلاوت است. این امر مستلزم فراهم کردن شرایط خاص است تا در اثر آن، مخاطب قرآن از آثار و برکات هدایتی قرآن بهره‌مند شود. استقصای شرایط مذکور در آیات و روایات و نیز یافتن آثار هدایتی و تربیتی چنین تلاوتی، مسأله خاص این پژوهش است. هدف این پژوهش آن است که به آن دسته از آثار هدایتی و تربیتی دست یابد که تلاوت کننده قرآن بتواند از آن‌ها در تعامل بهتر با قرآن کریم، پی بردن به بطون آیات، تفهیم همگانی قرآن کریم، حل کردن مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی، هدایت پذیری مخاطبان از این کتاب هدایت و بهره‌مند شود. لذا سوال ما در این پژوهش این است که آثار تربیتی تعامل با قرآن کریم با رویکرد مخاطب محوری کدام‌اند؟

مبانی نظری

یکی از سؤالاتی که پاسخ به آن، معرفت ما را به قرآن کریم بیش‌تر می‌کند این است که آیا وقتی کلام خدا به رسول اکرم (ص) رسید وحی الهی در وجود آن حضرت ختم می‌یابد و ایشان پیام خداوند را به مردم ابلاغ می‌کند یا وجود مبارک آن حضرت همانند فرشتگان مجرای وحی و مسیر تکلم الهی است تا به انسان‌های دیگر هم برسد. بنا بر فرض دوم انسان‌های عادی نیز کلام خداوند را می‌شنوند، اگرچه به واسطه پیامبر باشد. البته بین شنیدن آن حضرت از فرشته وحی و شنیدن انسان‌های عادی از ایشان فرق عمیقی وجود دارد. قرآن کریم نه تنها کلام الهی است، بلکه تکلم الهی نیز هست و هم اکنون خداوند است که با ما سخن می‌گوید. خدای سبحان قرآن را کلام خود معرفی می‌کند (تا این که کلام خدا را بشنود) (التوبة/۶). ظاهر این کریمه آن است که هم اکنون متکلم آن خدای سبحان است. از این ظاهر وقتی می‌توان اعراض کرد که دلیل عقلی یا نقلی قطعی برخلاف آن داشته باشیم و چنین قرینه‌ای در این مقام وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۳).

نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم وجود دارد که انسان را تشویق می‌کند و از او می‌خواهد خود را مخاطب آیات قرآن قرار دهد، برای مثال آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره مبارکه نجم با لحن عتاب‌آمیزی می‌فرماید: «آیا شما از شنیدن آیات این قرآن تعجب می‌کنید و با چنین وضعی که دارید بجای

گریستن می‌خندید، و در غفلت خوشی و خوش‌گذرانی مشغول هستید» و در آیه ۶۲ که یکی از چهار آیه سجده واجب قرآن نیز می‌باشد، مخاطب را امر به سجده می‌کند.

آیات ۸۱ و ۸۲ سوره مبارکه واقعه در مقام توبیخ برخی از مخاطبان، به دلیل نوع مواجهه آنها با قرآن، می‌فرماید: «آیا با این سخن (آسمانی) باز انکار و نفاق می‌ورزید؟ و بهره خود را تکذیب آن قرار می‌دهید؟» هم‌چنین آیه دوم سوره مبارکه انفال، نتیجه و اثر مخاطب محوری که لرزش قلب و ازدیاد ایمان است، را بیان می‌کند: «مؤمنان حقیقی آنانند که چون ذکری از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می‌کنند.»

آیاتی که ما را به تدبر در آیات قرآن دعوت می‌کند نیز به نوعی بیانگر اهمیت این مسأله هستند، چراکه تدبر واقعی زمانی محقق می‌شود که انسان خود را مخاطب آیات قرآن قرار دهد و بتواند از هدایت الهی بهره‌مند شود. روایات نیز نه تنها مخاطبه را درباره قرآن کریم بلکه حتی درباره روایات هم جاری می‌دانند و به عنوان مثال روایتی که تاکید می‌کند: «خدا خرم کند چهره آنکس را که سخن مرا بشنود و حفظ و ضبط کند و به کسانی که سخن مرا نشنیده‌اند برساند، بسا کسانی که حامل یک حکمت و حقیقت‌اند در صورتی که خودشان اهل آن حقیقت نیستند، و چه بسا افرادی که فقهی را، (حکمتی را و یا حقیقتی را) حمل می‌کنند، حفظ می‌کنند، بعد منتقل می‌کنند به کسانی که از خودشان داناترند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۴۰۳)

این روایت نشان می‌دهد که نمی‌توان بر فهم مخاطبان اولیه وحی، حتی در باب روایات تکیه نمود. لذا انسان‌ها باید خود را مخاطب روایات قرار بدهند و خود را به اوج معارف الهی برسانند، نه این که معارف الهیه محبوس در نگرش مادی و محدود انسان‌های یک عصر شود و به سطح آنها نازل شده و در همان سطح متوقف بماند. نباید فهم قرآن را منحصر در فهم شبه جزیره و صحابه و تابعان یا هر عصر دیگری کرد.

هر انسانی در مواجهه با قرآن با توجه به خصوصیات و موقعیتی که در آن قرار دارد، لازم است پیام قرآن کریم را ناظر به مقصد‌اعلای آن دریافت نماید. مفهوم جری و تطبیق که در روایات بدان اشاره رفته، می‌تواند بیان‌گر جریان حقیقت قرآن به این صورت در زندگی افراد باشد. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «همانا قرآن زنده‌ای است که نمی‌میرد و همان‌گونه که شب و

روز جاری می‌شوند، جاری می‌شود و همان‌گونه که خورشید و ماه جریان دارند، قرآن نیز جریان دارد و (احکامش) برای بعدی‌ها همان‌گونه که بر افراد زمان نزول جاری می‌شد، جاری می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۴).

سعی در برداشت از قرآن و دریافت پیام آن به نحوی که بتواند مشکل فرد و جامعه را در دوران کنونی حل نماید، تنها در صورتی ممکن است که همان‌گونه که قرآن مخاطب خود را جهانیان قرار داده و با آنها به زبان فطرت سخن گفته، جهانیان نیز خود را مخاطب قرآن بدانند و با تلاش برای شکوفاسازی فطرت، خود را در معرض این نسیم رحمت قرار دهند، به این صورت که مثلاً اگر شخصی تلاوت، آیه‌ای را می‌شنود و یا قرآن را باز می‌کند و آیه‌ای را قرائت می‌کند، باید بداند که این امر اتفاقی نیست و در قرآن کریم اتفاق راه ندارد؛ بلکه این آیه شریفه الآن با او یک کار ویژه دارد و پیام خاصی را برایش به ارمغان آورده است.

خطابات قرآن کریم ازلی و ابدی است. از این بابت که قرآن کریم مهیمن بر کتب دیگر است کتب الهی دیگر نیز به نوعی مرتبه نازله قرآن کریم هستند، بنابراین قرآن مخاطبانی دارد که بسته به هر زمان و مکان و شرائط، پیام و خطاب خود را خواهد داشت. علامه طباطبایی (ره) نیز در این زمینه تصریح به عام بودن تکلیف و وسعت مراد الهی در تمام شرائط دارند. ایشان پس از این که خطاب «یا ایها الذین آمنوا» را ناظر به اهل ایمان در عصر پیامبر و اصحاب حقیقی ایشان دانسته‌اند در پاسخ به این شبهه که این برداشت با حقیقه دانستن مفاد آیات الهی و شمول آن بر تمام زمان‌ها و مکان‌ها منافات دارد می‌فرمایند: صدور بعضی از تکالیف در قرآن کریم با لفظ «یا ایها الذین آمنوا» هست، در جاهایی هم که مانند «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی»، خطاب نسبت به رسول اکرم (ص) هست، از جهت تشریف و مقدم بودن حضرت است، اما تکلیف آیه برای همه هست و مراد آن همه را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱: ۲۵۰).

با توجه به آنچه گفته شد، آسیب برخی از مسلمانان در تلاوت و قرائت قرآن کریم و حتی تدبیر در این کتاب آسمانی، آن است که خود را مخاطب واقعی و حقیقی قرآن تصور نمی‌کنند و همین خلأ آنها را از هدایت قرآنی محروم می‌کند. پژوهش پیش رو به تبیین همین مسأله و ساز و کار حل آن می‌پردازد.

مخاطب محوری

توجه به نیاز مخاطب و شناخت او برای کسی که نویسنده می‌کند یا صحبت می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا باید کلمات را به صورت دقیق و حساب شده استفاده کند و ویژگی‌های روحی و عاطفی، علمی، مکانی و زمانی او را مورد توجه قرار دهد. برای ذکر مثال باید با توجه به سطح فهم و درک او صحبت کند، اگر مخاطبش نسبت به فهم کلام قوی نیست، نباید پیچیده و سنگین صحبت کند و چنانچه او فردی فهمیده و با درک بالاست نویسنده یا گوینده نباید تکرار و اطناب ملال‌آور داشته باشد.

با مخاطبی که فهم است باید خلاصه سخن گفت و توضیح و توصیف زیاد خلاف بلاغت می‌باشد. در مقابل مخاطبی که سطح فهم و درک پایینی دارد باید با او متناسب با فهمش سخن گفت و در حد نیاز به توصیف و شرح پرداخت (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۹۸). پیامبر اکرم نیز فرموده‌اند: کسی که نزدش کودکی هست باید با او کودکانه برخورد کند (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۲۱: ۴۸۶). در قرآن کریم با توجه به این که نگاه از جانب ذات الهی به سوی انسانی می‌باشد که نیازمند هدایت برای تکامل است- آن هم هدایتی از جانب رب العالمین- نداها و خطاب قرار دادن‌ها با رعایت بلاغت و بر اساس مقتضای حال مخاطبانی است که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها هستند و خداوند همه‌ی آن‌ها را مخاطب خود قرار داده است. بر این اساس چنانچه مخاطبان خود را در معرض افاضه‌ی رحمت الهی قرار دهند و بدین وسیله تحت تربیت ربوبی قرار گیرند، متمتع از هدایت الهی خواهند شد.

خطابی بودن قرآن کریم

برای این که نگاه صحیحی نسبت به قرآن کریم داشته باشیم، باید به نکته‌ی بسیار مهمی توجه داشته باشیم. باید بدانیم قرآن کریم متن نیست، بلکه خطاب است. در یک متن باید به دنبال معنای آن بگردیم، اما برای درک یک خطاب به کشف مراد متکلم نیازمندیم.

کلام به دو نوع کتابی یا نوشتاری و خطابی یا گفتاری تقسیم می‌شود. میان این دو قسم از کلام تفاوت‌هایی وجود دارد و از جنبه‌هایی با هم فرق می‌کنند: یکی این که کلام نوشتاری با مخاطب خود ارتباط برقرار نمی‌کند اما کلام خطابی متناسب با حالات و مقتضیات مخاطب ایراد می‌شود (نصیری، ۱۳۹۴: ۱۰). تفاوت دیگر در این است که در کلام مکتوب مطالب به صورت

مبوب و دسته‌بندی شده و بدون تکرار می‌آید، اما در کلام گفتاری، مطالب نسبتاً پراکنده و گاهی تکراری آورده می‌شود و هیچ‌یک از این‌ها قبیح و خلاف فصاحت محسوب نمی‌شود (نکونام، ۱۳۸۰: ۶۷). تفاوت دیگری را نیز آیت الله معرفت مطرح می‌کند که ما در این پژوهش به این معنا از خطابی بودن زبان قرآن معتقد نیستیم و نقد مختصری بر آن می‌آوریم: «ویژگی اسلوب گفتاری این است که در آن متکلم به ذهنیت مخاطب خاص تکیه می‌کند. بر خلاف اسلوب نوشتاری که بر ذهنیت مخاطب خاصی تکیه نباید داشته باشد، بلکه تکیه وی باید بر مدلول الفاظ باشد و اگر بخواهد خارج از این محدوده سخن بگوید باید سخن وی دارای قرائن لازم باشد، چون مخاطب خاص ندارد و همه‌ی خوانندگان در همه‌ی جهان تا ابدیت مخاطب او هستند، و لذا نباید و حق ندارد بر ذهنیتی خاص یا بر قرائن موجود در مجلس و مقام مخاطب تکیه کند، اما در گفتار این حق برای نویسنده هست» (معرفت، ۱۳۸۵: ۱۷).

بنابراین پیام‌های قرآن عام و کلی هستند. هر چند که زبان قرآن کریم خطابی می‌باشد، اما به این معنا نیست که مخاطب خاص دارد و مثلاً خطاب به عرب عصر نزول در آن زمان است. هر چند ممکن است که مفاهیمی که قرآن کریم بیان کرده است مصداق مشخصی داشته باشند اما این‌گونه نیست که محدود به آن مصداق مشخص باشد. البته چنانچه عرب عصر نزول را مخاطب خاص آیات قرآن دانسته و سایر مردم در سایر زمان‌ها را نیز مخاطب عام بدانیم گفته‌ی آیت الله معرفت صحیح خواهد بود. بر اساس آن چه گفته شد و با توجه به این که قرآن کریم خطاب ذات باری تعالی به بندگانش می‌باشد، ما باید به دنبال مراد و منظور خداوند باری تعالی باشیم، نه معنای صرف تحت اللفظی و تفسیر مرسومی که از آیات وجود دارد.

انواع مخاطب

یکی از موضوعات حائز اهمیت در علوم قرآنی، بحث «خاص و عام» می‌باشد که ارتباط زیادی با بحث «خطابات و مخاطبان» قرآنی دارد. بنابراین لازم است که با انواع مخاطبان قرآنی که در یک دسته‌بندی، به دو دسته خاص و عام تقسیم‌بندی شده‌اند، آشنا شویم.

مخاطب خاص در آیات قرآن کریم

خطابات خاص آیات قرآن را می‌توان به دو دسته خطاب به انسان و خطاب به غیر انسان تقسیم‌بندی کرد. خطاب به انسان‌ها، شامل خطاب به پیامبران، پیامبر اکرم (ص)، مؤمنان، منافقان، کافران (مشرکان و اهل کتاب) و ... می‌شود. خطاب‌هایی هم در قرآن نسبت غیر انسان، شامل جنیان، ملائک، کائنات و ... داریم. خطاب‌های خاص معمولاً با لفظ «یا ایها» همراه هستند. ما در این پژوهش معتقدیم که هرچند برخی آیات در ظاهر مخاطب خاص دارند و مثلاً پیامبر اکرم (ص) را مخاطب قرار داده‌اند، اما در باطن خطاب این آیات به امت پیامبر می‌باشد. بنابراین در این موارد خطاب خاص، اما مراد آیه عام می‌باشد.

مخاطب عام در آیات قرآن کریم

دیدگاه اصلی در زمینه‌ی مخاطبان قرآن این است که همه‌ی مردم، در همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها مخاطب قرآن هستند. آیه‌ی الله جوادی آملی در این رابطه می‌گوید: ندهای قرآن در همه‌ی اعصار و برای همه‌ی اعصار زنده و حاضر است. به همین جهت گفتن لیک زمانی که ندای «یا ایها الذین آمنوا» شنیده می‌شود، از آداب تلاوت قرآن می‌باشد و این نشان از زنده بودن و امروزی بودن ندهای قرآنی دارد و الا گفتن لیک به ندایی که مخصوص گذشتگان بوده است، نمیتواند حقیقی و از روی جدیت باشد. به همین لحاظ ندای «یا ایها الذین آمنوا» نشان از رابطه‌ی عمیق بنده و مولایش دارد. این رابطه مادامی که از طرف بنده ضعیف نشود، از طرف خدای متعال محفوظ می‌ماند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲: ۳۵۸).

این نکته از آیاتی که رسالت پیامبر اکرم (ص) را جهانی معرفی می‌کند نیز فهمیده می‌شود: «و ای رسول) ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی» (الانبیاء-۱۰۷). آوردن عبارت «عالمین» در این آیه چنان مفهوم گسترده‌ای دارد که تمام انسان‌ها در تمام اعصار را در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۵۲۶).

پیشینه پژوهش

نصیری (۱۳۹۴ش)، در پژوهشی به رعایت حال مخاطب در سوره مکی و مدنی و هم‌چنین روایات پرداخته است و تبیین می‌کند که آیات قرآن در مکه با توجه به ظرفیت و شرایط مخاطبین

مکه، از دعوت به اسلام و توحید، معاد، و .. سخن می گوید. در مدینه نیز بسته به شرایط مخاطبان، مفاهیمی همچون حکومت و رهبری، جهاد، روزه و ... در آیات شریف قرآن بیان شده است. در روایات نیز، معصومان به سطح فهم و توانایی مخاطبانشان توجه داشته‌اند.

افشاری (۱۳۹۰ش)، در پژوهشی چهار دیدگاه در خصوص مخاطبان قرآن مطرح می‌کند: مخاطب قرآن بودن شخص رسول خدا(ص)، مخاطب قرآن بودن ائمه(ع)، مخاطب بودن عرب عصر نزول و عام بودن مخاطبان قرآن. سپس می‌گوید مخاطب اصلی قرآن عرب عصر نزول است، ضمن این که تکالیف آن برای همه مردم جهان، تا قیام قیامت بوده و برای همه مردم کتاب هدایت می‌باشد. هم‌چنین مخاطب قرآن بودن عرب عصر نزول، با جاودانگی قرآن هیچ منافاتی ندارد، چراکه قرآن در عین حال که مخاطبش عرب عصر نزول می‌باشد، کتاب هدایت برای انسان در همه‌ی زمان‌ها هست.

شیخ بهایی (۱۳۸۹ش)، در این پژوهشی چنین بررسی می‌کند: خطاب حدیث در اصل اولی عام و مشتمل بر همه‌ی مخاطبان مستقیم و غیر مستقیم هست، مگر این که به دلیلی، خاص بودن آن ثابت شود. از این رو خطاب‌های شخصی، در صورت وجود داشتن، حجم بسیار اندکی از میراث روایی ما را تشکیل می‌دهند، اما در اکثر قریب به اتفاق روایت‌ها، خطاب، به شکل قضیه حقیقه و متوجه سایر مخاطبان است. شناخت برخی از ویژگی‌های مخاطب در فهم صحیح روایت اهمیت بیشتری دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان عمدتاً در ویژگی‌های اعتقادی (دین، مذهب، درجه‌ی ایمان و ...)، علمی (میزان دانش، قدرت فهم و ...) و طبعی جستجو کرد.

اگرچه این پژوهش‌ها به بحث مخاطبان قرآن پرداخته‌اند، اما رویکرد آن‌ها این بوده است که انواع افرادی را که مخاطب قرآن کریم بوده‌اند، معرفی کنند و معمولاً مخاطبان قرآن را مخاطب خاص دانسته‌اند و به دسته‌بندی آیات قرآن پرداخته‌اند که کدام فرد یا افراد مخاطب این آیات هستند. آن جایی هم که به بحث از مخاطب عام پرداخته‌اند، فقط به این نکته اشاره کرده‌اند که گرچه آیات قرآن مخاطب خاص دارند، اما مخاطب برخی آیات، تمام انسان‌ها بوده‌اند، اما به طور دقیق به شرح و توضیح آن نپرداخته‌اند.

لکن در این پژوهش به صورت تفصیلی به این موضوع اشاره شد که اولاً؛ همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها، مخاطب تمامی آیات هستند. ثانیاً؛ همان‌گونه که قرآن کریم ما را مخاطب خود

قرار داده است، ما نیز باید متقابلاً خود را مخاطب آیات این کتاب شریف بدانیم و به پیام‌هایی که برای ما دارند توجه کنیم و به آن‌ها جامه‌ی عمل بپوشانیم. لذا تفاوتی که این پژوهش با پژوهش‌های دیگر دارد این است که ما از جهت وظیفه و تکلیفی که مخاطبان دارند به موضوع پرداخته‌ایم، اما در پژوهش‌های دیگر به بررسی افرادی که خدا در کتابش آن‌ها را مخاطب خود قرار داده است، پرداخته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و علمی، مخصوصاً تفاسیر قرآن کریم و نیز کتبی که در دوره معاصر و با توجه به نیازهای روز جامعه به نگارش درآمده‌اند، به گردآوری داده‌ها پرداخته، سپس با مقایسه، دسته‌بندی و تحلیل آن‌ها با روش توصیفی-تحلیلی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطالب اقدام شده است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت مفاهیم مخاطب‌محوری و آثار تربیتی مخاطب‌محوری را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آثار تربیتی مخاطب محوری

ارتباط پیوسته با قرآن و توجه به مضامین آیات و عملی کردن نصائح و دستورات آن، آثار و ثمرات شگرفی دارد که پاره‌ای از آن مربوط به زندگی دنیوی و بخش مهمی از آن به جهان آخرت مربوط است. میزان بهره‌مندی انسان از این آثار بستگی به سطح و کیفیت ارتباط با قرآن دارد و بنا بر میزان توجه از آثار آن برخوردار خواهد شد. براساس آنچه در روایات به جا مانده از پیامبر آمده است، ارتباط و انس با قرآن دارای آثار دنیوی و اخروی است که البته به فراخور ارتباط فردی و اجتماعی مشمول خواهد شد.

قرآن کریم کتاب هدایت است و برای تربیت انسان‌ها نازل شده است و از این جهت، مهم‌ترین رسالت پیامبر تعلیم و تربیت بوده است. بنابراین، زبان قرآن، زبان آموزش و پرورش و

زبان هدایت است. قرآن شیوه‌های متفاوتی را به کار گرفته است تا انسان را به کمال روحی و معنوی‌اش برساند (احسانی، ۱۳۸۷: ۱۲).

قرآن ما را هدایت می‌کند، حتی بدون این که بدانیم چگونه این کار را انجام می‌دهد. با اینکه ما نمی‌دانیم تلاوت آیات قرآن چه آثاری بر روح ما دارد ولی این آیات تأثیر خود را بر ما خواهند داشت. قرآن فراتر از معانی و مفاهیمی که از آن درک می‌کنیم، بر ما تأثیر می‌گذارد. هر چند مقوله تربیت، متفاوت از مقوله‌ی هدایت می‌باشد، اما آوردن اصطلاح «تربیتی - هدایتی» در این پژوهش به این معنا نیست که آثار تربیتی، چیزی جدا از آثار هدایتی می‌باشد. بلکه تربیت و هدایت در طول هم بوده و همواره تربیت منجر به هدایت می‌شود. اما باید به این نکته توجه داشته باشیم که قرآن کتاب هدایت است. در قرآن کریم و روایات هم زیاد از مفهوم «تربیت» استفاده نشده است، و بیشتر از کلمه «هدایت» شده است. برای نمونه وقتی خداوند پیامبرانش را رشد می‌دهد، رشد آن‌ها را با استفاده از همین کلمه‌ی «هدایت»، بیان می‌کند: «بگو: محققا مرا خدایم به راه راست هدایت کرده» (الانعام-۱۶۱). علت این که از کلمه‌ی هدایت استفاده می‌شود، این است که هدایت از شئون ربوبیت و تنها کار خدا هست. انبیاء هم با هدایت الهی راه مستقیم را پیدا می‌کنند.

هدایت و تربیت فردی

تلاوت قرآن به خودی خود آثار زیادی در وجود انسان دارد، اما بسته به میزان و نحوه توجه مخاطب به حقیقت قرآن این آثار به لحاظ کمیت و کیفیت متفاوت خواهد بود. توجه به باطن قرآن کریم و در حقیقت توجه به مراتب انفسی قرآن کریم و حرکت از ظاهر به باطن در توجه به معانی و حقایق قرآن اثر زیادی بر روی مخاطب می‌گذارد. در این قسمت به برخی از آثار مخاطب‌محوری در تعامل با قرآن کریم بر روی فرد اشاره می‌شود.

۱- شفای امراض روحی و برطرف شدن ردائل اخلاقی

یکی از آثار این شکل مواجهه با قرآن این است که انسان هنگام تلاوت قرآن به آیاتی بر می‌خورد که به موضوعات اخلاقی پرداخته است، چنان‌چه در آن آیه صفتی ذم و نکوهش شده

باشد، او نیز به هر اندازه و درجه‌ای که آن صفت را دارا باشد، سعی در برطرف کردن آن رذیله اخلاقی در خود می‌کند.

امام خمینی (ره) در این خصوص بیان می‌دارند که یکی از آداب قرائت قرآن که می‌تواند انسان را به استفادات بی‌شمار نائل کند، تطبیق است. یعنی انسان در هر آیه از آیات شریفه که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق می‌کند، و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع می‌کند و امراض خود را با آن شفا می‌دهد. مثلاً در قصه شریفه حضرت آدم می‌بیند سبب مطرود شدن شیطان از بارگاه قدس با آن همه سجده‌ها و عبادات طولانی چه بوده و خود را از آن تطهیر می‌کند؛ زیرا مقام قرب الهی جای پاکان است، با اوصاف و اخلاق شیطانی قدم در آن بارگاه قدس نمی‌توان گذاشت. ما از اول عمر شیطان را ملعون و مطرود خواندیم اما خود به اوصاف خبیثه او، هم چون خودبینی و عجب متصف هستیم و در فکر آن برنیامدیم که آن چه سبب مطرودیت درگاه قدس است، در هر کسی باشد مطرود است؛ شیطان خصوصیتی ندارد. ممکن است لعن‌هایی که به ابلیس می‌کنیم خود نیز در آن شریک باشیم.

و نیز تفکر کنیم در همین قصه شریفه و سبب مزیت آدم و برتری او بر ملائکه الله ببینیم چه بوده، خود نیز به قدر طاقت به آن متصف شویم، می‌بینیم تعلیم اسما سبب آن بوده؛ چنان که می‌فرماید: (و علم آدم الاسما کلها) (۳۱-البقرة). و مرتبه عالیّه تعلیم اسما تحقق به مقام اسما الله است، انسان با ارتضایات قلبیه می‌تواند مظهر اسماء الله و آیت کبرای الهی شود و در حدیث است که همانا روح مومن اتصالش به خدای تعالی شدیدتر است از اتصال شعاع شمس به آن و در این خصوص شواهد عقلیه و نقلیه فراوان است (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

۲- رسیدن به بواطن قرآن و عدم توقف در ظواهر آن

از جمله آثار مهم فردی مخاطب محوری، عدم توقف در ظواهر قرآن کریم می‌باشد. زمانی که تلاوت کننده قرآن، خود را مخاطب کلام الهی می‌انگارد، طبعاً از لایه‌های ظاهری قرآن کریم، به سوی لایه‌های باطنی آن کشیده می‌شود، زیرا در این نوع توجه، او به دنبال فهم معنی و منظور کلام الهی، در همان لحظه تلاوت نسبت به خودش می‌باشد، که این امر او را ناچار از لایه‌های ظاهری جدا کرده و به سوی لایه‌های باطنی سیر می‌دهد. در این نوع تلاوت، توجه از برخی امور

ظاهری که گاه از جمله موانع توجهات باطنی می‌باشند، کم شده و زمینه برای توجه به باطن بیشتر فراهم می‌گردد.

به عنوان نمونه، توجه از برخی موانع من جمله توجه افراط گونه به ادبیات عرب، بلاغت، لحن، و امثال این‌ها کم شده و توجه به منظور و کلام الهی در همان لحظه متناسب با مخاطب بیشتر می‌گردد.

از طرفی در این نوع توجه فرد تلاوت‌کننده در حالتی فراتر از زمان به قرآن توجه می‌کند. یعنی شخص حجاب زمان، که از جمله حجب عالم ناسوتی می‌باشد را دریده و از دریچه‌ای فراتر از زمان با قرآن مواجه می‌شود. از آنجایی که حقایقی مانند قیامت و بهشت، جهنم و ... حقایقی فراتر از زمان بوده و در حال حاضر هستند، مخاطب خود را در مواجهه با این حقایق دیده و در زمان حال و جدای از گذشته و آینده با آن‌ها مواجه می‌شود و این امر او را از ظاهر به سوی باطن، که فراتر از مقوله زمان است سوق می‌دهد.

البته باید توجه داشت که تاویل قرآن و حقیقت آن در لوح محفوظ نزد خداوند متعال است و خیلی بالاتر از آن است که عقول انسان‌ها و ادراکات آن‌ها به آن راه پیدا کند. تنها کسانی می‌توانند به اصل و حقیقت برتر قرآن راه پیدا کنند و به آن برسند که از سعی و جودی و از ظرفیت روحی و طهارت لازم برخوردار باشند و با تطهیر الهی به طهارت قلب از آن‌چه که باید پاک باشد، نایل آمده و محرم اسرار حق و اسرار وجود شوند (شجاعی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). در سوره مبارکه‌ی واقعه آمده است: «این قرآن، کتابی بسیار بزرگوار و سودمند و گرامی است، که در لوح محفوظ سرّ حق مقام دارد، که جز دست پاکان (و فهم خاصان) بدان نرسد، تنزیلی از پروردگار عالم است.» (الواقعه: ۸۰-۷۷). در این آیات، علاوه بر اشاره به حقیقت قرآن و این که حقیقت قرآن و این که حقیقت آن از جانب پروردگار تنزیل گردیده، به این نکته هم اشاره می‌کند که نیل به حقیقت قرآن که در عالم بالاتری از عوالم وجود، به نام کتاب مکنون است، برای کسی جز پاکان امکان‌پذیر نیست، زیرا که جز آنان کسی ظرفیت نیل به آن را ندارد و بعد از تنزیل و پایین آوردن است که برای همه‌ی انسان‌ها قابل فهم و هضم می‌گردد و می‌توانند از برکات آن بهره‌مند گردند.

۳- کم شدن فاصله زبانی و زمانی مخاطب با قرآن کریم

زبان قرآن کریم، زبان فطرت و خطابات آن ازلی و ابدی است. به این معنا که قرآن کریم، همه‌ی مردم جهان در همه‌ی اعصار را مخاطب خود قرار داده است، به گونه‌ای با آن‌ها صحبت کرده است که به همه‌ی ویژگی‌ها و نیازهای مخاطبان توجه و با سخنی واحد اما ذومراتب، همه را مخاطب خود قرار داده است. به عبارت دیگر، همه را به یک چیز دعوت نکرده، بلکه با هر کس مطابق با نیاز خودش سخن گفته است. اگر جهانیان نیز در مقابل، خود را مخاطب قرآن بدانند و با تلاش برای شکوفاسازی فطرت، خود را در معرض این نسیم رحمت قرار دهند، هنگام تلاوت قرآن احساس می‌کنند که قرآن، همان لحظه در حال نازل شدن برای آن‌هاست و از آن‌ها دستگیری و به مسائل‌شان رسیدگی می‌کند.

آیه الله جوادی آملی با استناد به آیاتی مانند «و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود» (المدرثر-۳۱) و «و ما تو را جز برای این که عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم» (سبأ-۵۲)، قرآن را کتابی توصیف کرده‌اند که برای هدایت همه‌ی مردم نازل شده است و در نتیجه، زبان قرآن باید زبانی جهانی باشد. مقصود از زبان قرآن، سخن گفتن آن به فرهنگ مشترک مردم است و آن زبان فطرت می‌باشد که فرهنگ عمومی و مشترک همه‌ی دوره‌ها و اعصار است و هر انسانی با آن مانوس است و از آن بهره می‌گیرد و هیچ کس نمی‌تواند بهانه بیاورد که من با آن بیگانه و ناآشنا هستم (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۱).

بر اساس دیدگاه مخاطب‌محوری، قرآن کریم کتابی نیست که خداوند متعال، آن را ۱۴۰۰ سال پیش به پیامبر اکرم (ص)، سپرده باشد و بعد از آن این کتاب را رها کرده باشد، بلکه قرآن کریم، جبل ممدود الهی می‌باشد که یک‌طرف این ریسمان در دست خداست و طرف دیگرش را به سوی جهانیان آویزان کرده است، تا با تمسک به آن به سوی حق تعالی حرکت کنند و از هدایت الهی بهره‌مند شوند. بنابراین، شخصی که با این دیدگاه به سمت قرآن می‌رود و با آن تعامل برقرار می‌کند، قرآن را کتابی می‌بیند که همین‌الآن در حال نزول به سمت اوست و برای برطرف کردن نیازهایش و پاسخ‌گویی به شرایط خاصی که دارد، با او با زبان خودش سخن می‌گوید.

۴- انس حقیقی با قرآن کریم

زمانی که فرد تلاوت کننده خود را مخاطب آیات قرآن دیده و قرآن را در مقام سخن گفتن با خود مشاهده می‌نماید، خواسته یا ناخواسته با قرآن کریم انس می‌گیرد. در واقع در این حالت قرآن کریم حقایق نفسانی و قابلیت‌های وجودی تلاوت کننده را به او متذکر می‌شود و از آنجایی که از وجود، درون و باطن شخص سخن می‌گوید و از طرفی تمامی سخنان قرآن برگرفته از حقایق باطنی تلاوت کننده، به نحوی کاملاً صادقانه و تربیت کننده می‌باشد، فرد از این نوع تلاوت لذت بیشتری برده و در نتیجه با قرآن و حقایقش مانوس می‌گردد. البته این مسئله کاملاً تشکیکی بوده و به میزان حال و توجه تلاوت کننده بستگی دارد. اگر تالی قرآن به آداب و شرایط این نوع تلاوت توجه کند، به میزان توجهش از سفره‌ی گسترده‌ی قرآن کریم بهره‌مند می‌شود. فردی که بیشتر خود را مخاطب کلام الهی دانسته، این اثرات در نفس او بیشتر ظاهر می‌شود و به میزانی که بیشتر در اعماق و بواطن قرآن کریم سیر کند، پرده‌ها و حجاب‌های بیشتری از قرآن کریم را خرق کرده و حقایق بیشتری از وجود او منکشف خواهد گردید. چون شخص با حقایقی از وجود خود رو به رو شده، انس بیشتر با قرآن کریم پیدا می‌کند. در واقع می‌توان گفت که میزان توجه به مخاطب محوری رابطه مستقیم با ایجاد انس در شخص تلاوت کننده قرآن دارد و بیش‌ترین حالت حضور قلب زمانی رخ می‌دهد که تالی قرآن خود را مخاطب قرآن بدانند و به پیام‌هایی که آیات شریفه برایش دارند، توجه کند.

در سوره‌ی مبارکه‌ی انفال آمده است: «مؤمنان حقیقی آنان‌اند که چون ذکری از خدا شود دل‌هایشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آن‌ها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می‌کنند» (الانفال-۲). این آیه می‌فرماید، حقیقت ایمان برای تلاوت کننده قرآن آن زمانی است که هنگام شنیدن آیات الهی، با توجهی که به پیام آن‌ها دارد و با توجه به شرایط نفسانی و روحانی خود، دلش ترسان و لرزان شود و به این وسیله ایمانش افزایش یابد.

۵- ایجاد سنخیت درونی با قرآن کریم

از جمله عوامل ایجاد سنخیت در نفس انسان توجه می‌باشد. به میزانی که انسان نسبت به امری توجه و تمرکز پیدا می‌کند، به آن امر شباهت پیدا می‌کند. به طور مثال علاقه یک فرد به فرد

دیگر توجه شخص اول را به شخص ثانی معطوف می‌کند و توجه او متمرکز در محبوبش می‌شود. این توجه سبب آن می‌شود که فرد به محبوبش شباهت پیدا کند و از آن‌جایی که محبوب دائم در نظرش زیبا جلوه می‌کند خود را آگاهانه، در ظاهر شبیه او جلوه می‌دهد و ناخودآگاه درون او نیز میل به شباهت به محبوب پیدا می‌کند. تا جایی که در درون به اصطلاح با فرد دیگر سنخیت پیدا می‌کند.

قرآن کریم نیز که حی متاله است و جلوه گر جلال و جمال الهی می‌باشد. توجه و انس تلاوت کننده به زیبایی های قرآن در درون میان او و قرآن انس ایجاد کرده و این انس، عامل سنخیت پیدا کردن وجودی او با حقایق قرآنی است. از آن‌جایی که در تلاوت مخاطب‌محورانه شخص خود را مخاطب این حی متاله می‌بیند و برخی آیات قرآن کریم را ناظر به خود و حقایق درونی خود می‌یابد در وجود او میان این حقایق یعنی حقایق نفس وجودی و حقایق قرآن شباهت‌ها کشف شده و سنخیت ایجاد می‌گردد.

۶- نزول لحظه به لحظه قرآن بر قلب مخاطب متناسب با نیازهای او

این در کلام الهی یکی از مراتب اعجاز است که ما کم‌تر به آن توجه می‌کنیم که قرآن کریم به همه ویژگی‌ها و لوازم کسانی که مخاطب هستند توجه می‌کند و با سخنی واحد اما ذو مراتب همه آن‌ها را مخاطب قرار می‌دهد. همه را به یک چیز دعوت نمی‌کند، همه را مطابق نیاز آن‌ها دعوت می‌کند. هر کس احساس می‌کند خدا، خدای او است و خدای اشتراکی نیست و احساس می‌کند که آن‌قدر در نیازهای خاص او، با او لطف دارد که انگار با فرد دیگری کار ندارد و منتظر ایستاده است تا نیازهای او را برطرف کند. البته واقعا این‌گونه در ارتباط با او هست و با دیگری هم همین‌گونه هست که با همه، با تمام نیازهایشان به طور خاص ارتباط برقرار می‌کند. اگر قرآن را این‌گونه ببینیم نگاه ما به قرآن یک نگاه اختصاصی می‌شود، لذا وقتی اختصاصی شد ارزشش برای ما بیشتر می‌شود، چون احساس می‌کنیم خدا با ما صحبت می‌کند. این حقیقت برای تک‌تک انسان‌ها صدق می‌کند. اگر این امر محقق شود، در این صورت انسان کاملاً احساس می‌کند که وقتی قرآن تلاوت می‌شود، همین‌الآن در حال نازل شدن برای شخص اوست تا او را جذب کند و مسأله او را حل کند. به بیان رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) قرآن کریم سفره الهی است که به فراخور هر یک از مهمانانی که بر سر سفره حاضر می‌شوند، برای آن‌ها غذایی دارد و آن‌ها

را بهره‌مند می‌سازد: «این قرآن میهمانی ویژه خداوند است پس تا آنجا که توان دارید از این ضیافت بهره ببرید، چراکه قرآن نور آشکار و شفای سودمند است، پس آن را بیاموزید که خداوند متعال شما به یاد گرفتن آن مشرف می‌کند» (التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۶۰)

۷- افزایش ایمان

مؤمنانی که به تلاوت آیات وحی لذت می‌پردازند، طبق وعده خداوند نورانیت پیدا می‌کنند و ایمانشان کامل می‌شود: «مؤمنان حقیقی آنانند که چون ذکر از خدا شود دل‌هاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می‌کنند» (الانفال-۲) فردی که به تلاوت قرآن می‌پردازد و به این طریق خدا را یاد می‌کند، همین که خود را در مقابل خداوند متعال می‌بیند و به کلام او گوش جان می‌سپارد، درجه‌ای از ایمان را داراست، سپس با مخاطب قرار دادن خود و دیدن خود در آیات و در نتیجه عمل کردن به فرامین الهی که در این کتاب شریف آمده است، ایمانش روز به روز بیش‌تر می‌شود.

۸- بصیرت و آگاهی

شخصی که بصیرت نداشته باشد و راه و چاه را در مسائل و سختی‌های زندگی نشناسد، هیچ‌گاه نخواهد توانست به سر منزل مقصود برسد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «آن که بی بصیرت عمل کند همانند کسی است که در بیراهه حرکت کند که سرعت گرفتن در آن جز دوری از مقصد ثمری برایش ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۳).

بصیرت دینی نوعی از بینایی قلبی و دیده باطنی می‌باشد که انسان را در فهم حقیقت و مظاهر آن در ابعاد مختلف زندگی یاری می‌رساند. اندیشه ورزی و کسب علوم ظاهری هرچند قدمی مهم در راه رسیدن به چنین بصیرتی است، اما به تنهایی کافی نمی‌باشد. عمل به دستورات الهی، قلب و جان مؤمن را نورانی می‌سازد و او را از بینشی نافذ برخوردار می‌کند. با این نگاه، قرآن کریم تقوا را راه وصول به علوم ربانی، فرقان [تشخیص حق از باطل] و وسیله دشمن شناسی می‌شمارد:

«کسانی که پرهیزگارند چون از شیطان و سوسه‌ای به آن‌ها برسد خدا را یاد می‌کنند، و به یک‌باره بصیرت یابند» (الاعراف-۲۰۱).

هم چنین در سوره مبارکه‌ی جاثیه، بهترین وسیله بصیرت معرفی شده است: «این قرآن و سایل بینایی و بصیرت و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که به آن یقین دارند» (الجاثیه-۲۰). اولین قدم در بهره بردن از نور و هدایت قرآن و باز شدن چشم بصیرت، تلاوت و تدبیر در آیات قرآن کریم است. به میزانی که این تدبیر به همراه حضور قلب و توجه به پیام‌هایی که آیات قرآن در آن لحظه برای فرد دارد باشد، میزان کسب بصیرت هم افزایش خواهد یافت.

۹- ایجاد تلقین در مخاطب

ظاهر و باطن آدمی دائماً در حال تاثیر و تاثر بر یکدیگرند. ظاهر انسان به‌عنوان اولین مرتبه از مراتب وجودی پیوسته در حال نقش‌زنی بر باطن است و توسط او راه بر اصلاح و تزکیه درون هموار می‌شود. اصلاح ظاهر در نهایت می‌تواند به شکل‌دهی باطن و شخصیت فرد منجر شود. ظاهرسازی زمانی مذموم محسوب می‌شود که متوجه به مردم و مایه خودنمایی و ریا باشد ولی اگر متوجه به درون بوده و در راستای تربیت عالی‌ه باشد مقبول است و اهمیت خاصی در نظام تربیتی خواهد داشت، زیرا در نتیجه، شکوفایی فطری و علمی فرد را در پی خواهد داشت و در نهایت منجر به تزکیه و تهذیب نفس او می‌شود و چنین فردی قادر است، منشأ تحول در انسان‌های دیگر هم بشود.

از جمله مباحث مهم در زمینه تربیت نفس بحث تلقین معانی در روح و جان می‌باشد به نحوی که برای ملکه شدن برخی امور خیر در روح و نفس انسان یکی از شیوه‌های مهم تلقین معانی می‌باشد. هدف تکاملی انسان (قرب به خدا) جز با تزکیه و تربیت نفس آدمی به دست نمی‌آید، و تزکیه و تربیت خواهان هماهنگی ظاهر و باطن هستند. بدین ترتیب یکی از مبانی تربیت اسلامی اصلاح ظاهر به منظور توجه به درون و باطن و است و یکی از شاه‌راه‌های این امر استفاده از ابزار تلقین معانی در روح می‌باشد.

هدایت و تربیت اجتماعی

یکی از آثار مخاطب‌محوری این است که به شکل‌گیری جامعه‌ی دینی کمک می‌کند. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که دین در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی آن حضور دارد و تمام تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها بر اساس دستور شرع مقدس صورت می‌گیرد. در طول تاریخ ما شاهد این مسئله هستیم که افراد و مکتب‌هایی مدعی داشتن طرح و ایده برای رساندن بشر به سعادت و کمال بوده‌اند که برخی مکتب‌های غربی و شرقی از آن جمله‌اند. اما مسئله این است که این مکاتب اولاً به همه‌ی زوایا و نیازها و استعدادهای انسان احاطه‌ی کامل ندارند و ایده‌ی آن‌ها آثار زیان‌باری را به دنبال خود دارد. از جهت دیگر این‌ها به فکر سعادت دنیوی انسان‌ها هستند و به سعادت اخروی و معنوی بشر نمی‌پردازند.

قرآن کتابی است که از جانب خدایی نازل شده است که آفریدگار همه‌ی موجودات است و به همه‌ی جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان احاطه دارد و بر همین اساس برای سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها برنامه دارد.

الف) هدایت و تربیت جامعه در سطح کلان

منظور از سطح کلان، شاخصه‌هایی از جامعه می‌باشد که در دوام و شکل‌گیری جامعه نقش کلیدی دارند، به شکلی که همه‌ی ارکان جامعه، حتی نهادها نیز از آن تاثیر می‌پذیرند (انصاری، ۱۳۹۷: ۶۳). جامعه‌ای که خود را مخاطب قرآن بداند، بسته به میزانی که به این کتاب شریف توجه کند و معارف و دستورات آن را در خود اجرایی کند، از هدایت‌های آن بهره‌مند خواهد شد.

۱- توحید محوری

اعتقاد به خداوند واحد و این که او منشأ ایجاد همه‌ی عالم و مالک جهان هستی است، از جمله موضوعاتی است که آیات زیادی در قرآن کریم به آن اشاره دارند. همه‌ی اجزای عالم موجوداتی به هم پیوسته و هدفمند هستند، چراکه خالق آن‌ها خداوندی مدیر، مدبر، حکیم و قادر است. بنابراین جامعه‌ای که با قرآن مانوس است و خود را مخاطب آیات قرآن می‌بیند، خود را بنده‌ی خدا می‌داند و از کبر و نافرمانی پرهیز می‌کند. در این جامعه ملاک برتری تقوا می‌باشد: «... همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند...» (الحجرات-۱۳).

توحید محوری در جامعه به سه قسم کلی توحید ذاتی، صفاتی و افعالی تقسیم می‌شود که آیاتی از قرآن بر این سه قسم اشاره می‌کنند و جامعه‌ای که مخاطب این آیات قرار می‌گیرد، با دریافت پیام آیات به توحید محوری گرایش پیدا می‌کند.

توحید ذاتی به معنای یگانه و بی همتا بودن خداوند است: «خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او که نگهبان عدل و درستی است خدایی نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهی دهند؛ نیست خدایی جز او که (بر همه چیز) توانا و داناست» (آل عمران-۱۸). توحید صفاتی، یعنی اعتقاد به این که صفات خدا، عین ذات او و عین همدیگرند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «پاک و منزّه است پروردگار تو که خدایی مقتدر و بی‌همتاست و از توصیف (جاهلان) خلق مبراست» (الصافات-۱۸۰).

توحید افعالی، یعنی سراسر جهان فعل خداست و تمام کارها، حرکت‌ها، تاثیر و تاثرها به ذات پاک الهی منتهی می‌شوند و همه‌ی مخلوقات در کارهای خودشان به ذات پاک الهی نیازمندند. خداوند می‌فرماید: «... بگو: تنها خدا خالق هر چیز است و او خدای یکتایی است که همه عالم مقهور اراده اوست» (الرعد-۱۶).

بنابراین مهم‌ترین فایده‌ی اجتماعی مخاطب محوری این است که جامعه خدامحور می‌شود، به این معنا که تمام اجزاء جامعه بر اساس اعتقاد به خداوند و بر اساس خواست او شکل می‌گیرند. این اثر، زمانی دیده می‌شود که جامعه‌ی توحید محور، با جوامع الحادی که در اداره‌ی امور اجتماع برای دین و خدا نقشی قائل نیستند، مقایسه شود و در مقابل هم قرار گیرند.

۲- قوانین مبتنی بر شرع مقدس اسلام

قانون در به سعادت رساندن و کمال افراد تاثیر ویژه‌ای دارد. در سایه‌ی قانون، استعدادها شکفته می‌شود و هویت واقعی فردی و جمعی انسان‌ها بروز می‌کند و در پی آن اجتماعی سالم پدید می‌آید و با برآورده شدن منطقی نیازها، انسان مسیر تعالی را طی می‌کند، هم‌چنان که در صورت نبود آن راه سقوط و انحطاط را می‌پیماید. منظور از قوانین شرعی، مقرراتی می‌باشد که برای دینی کردن زندگی انسان و سلوک در مسیری که دین تعیین کرده است، وضع شده‌اند. جامعه‌ی توحید محور که حاکمیت را از آن خدا و اولیاء او می‌داند، وضع قوانین را نیز از طریق کتاب خدا معین می‌کند، با دریافت پیام‌های آیاتی از قرآن کریم که می‌توان قوانین را از آنها

استنتاج کرد، بر اساس مقتضیات مکان و زمان، بهترین مقررات را برای جامعه‌ی دینی وضع می‌کند. برخی از قوانین الهی تکوینی و مشترک بین همه‌ی مخلوقات است و برخی هم تشریحی و مخصوص انسان‌ها می‌باشند. قوانین تشریحی را انبیای الهی برای انسان‌ها بیان کرده‌اند. بر اساس برهان متقن عقلی و با توجه به صفات پروردگار ما، محال است خداوند انسان را که به هدایت و قانون نیاز دارد، از این نعمت محروم سازد.

۳- اقامه‌ی دین و فرمان‌های آن

اقامه‌ی دین، یعنی به تمامی آن‌چه خدا نازل و عمل به آن را واجب کرده است، ایمان بیاوریم و به آن جامعه‌ی عمل بپوشانیم. مفهوم اقامه، معنایی فراتر از عمل دارد، چراکه عمل به معنای تسلیم و اراده در برابر وحی و شرع است، اما اقامه به معنای ایجاد بستر برای توسعه‌ی دین می‌باشد، پس اقامه‌ی دین برتر از عمل کردن و به انجام رساندن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۳).

قرآن کریم گاه بر لزوم اقامه‌ی دین و اجرای دستورهای آن به طور مطلق (یعنی اقامه‌ی کل دین) سخن به میان می‌آورد: «خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید» (الشوری-۱۳). بر اساس این آیه، خداوند سبحان، راه رسیدن به کمال را پیروی از ادیان الهی می‌داند و به ما سفارش می‌کند که به دین پیامبران عمل کنیم. عمل به مناسک و مراسمات دینی و بزرگداشت شعائر، باعث ایجاد هم‌بستگی اجتماعی، ایجاد روحیه تعاون، تفاهم و مودت در جامعه می‌شود. با اقامه‌ی دین، برکات الهی در جامعه نازل می‌شود: «و چنانچه آنها به دستور تورات و انجیل خودشان و قرآنی که از سوی پروردگارشان به سوی آنها نازل شده قیام می‌کردند البته به هر گونه نعمت از بالا و پایین برخوردار می‌شدند» (المائدہ-۶۶).

وقتی دین اقامه می‌شود، زمین و آسمان نعمت خود را آشکار می‌کند؛ چراکه بین عالم انسانی و عالم غیر انسانی سازگاری رخ می‌دهد، اما در تمدن غیر الهی و طاغوتی، عالم به راه طاعت و زندگی انسانی به راه طغیان می‌رود.

۴- تأکید بر جایگاه و نقش خانواده

خانواده، سنگ بنای جامعه و سازمان نظام یافته اجتماعی است که در همه‌ی جوامع، ارزش و اهمیت خود را ثابت کرده است. خانواده نخستین و پایدارترین نهاد انسانی و بخش کوچک و موثر جامعه است که عناصر آن در یکدیگر اثرگذار هستند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، اگر از خانواده‌های سالم برخوردار نباشد. هر بحرانی که خانواده را فراگیرد، اجتماع نیز از آن تاثیر می‌گیرد و هرگاه خانواده گرفتار تزلزل و کاستی شود، آینده‌ی جامعه به خطر می‌افتد. بنابراین، نقش خانواده در حیات اجتماعی انسان‌ها، انکار ناپذیر است.

«در بین تمامی مراسم و آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، ازدواج از اهمیتی بسزا برخوردار است، هم از نظرگاه فرد و هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی. هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت، ثابت و پایدار باشد. از این رو، هیچ نهادی همانند آن تحت تاثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد» (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۱).

خانواده در نگاه قرآن نه مرد سالار است و نه زن سالار و نه فرزند سالار، بلکه خانواده جایگاه مودت و رحمت و تفاهم سالاری است. در این محیط سالم، درستی، صداقت، عدالت و سعادت آموزش داده می‌شود. طبق آیات الهی، انسان‌ها طوری آفریده شده‌اند که جفت‌خواهی به سرشت و آفرینش آن‌ها برمی‌گردد: «و باز یکی از آیات او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود» (الروم-۲۱).

در قرآن کریم، علاوه بر تأکید به ازدواج، به مردم هم دستور داده شده که زمینه‌ی ازدواج افراد مجرد را فراهم کنند: «و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآوردید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است» (النور-۳۲).

تأکید اسلام بر اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده این است که یکی از چیزهایی که زن و مرد را به محیط خانواده علاقه‌مند و وابسته می‌کند، برآورده شدن غریزه‌ی جنسی و شهوات آن‌ها در خانه

است و اگر مرد و زن، در محیطی غیر از محیط خانواده، به لذت‌های جنسی سرگرم و مشغول شوند، پیوند قوی میان مرد و زن و میان خانواده پاره می‌شود و از بین می‌رود.

ب) هدایت و تربیت جامعه در سطح خرد

منظور از آثار مخاطب‌محوری در سطح خرد جامعه، توجه به رفتارهای اعضای جامعه و افراد انسانی در ارتباط با اموری مانند امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت‌پذیری در امور تربیتی و معیشتی و سیاسی، برحذر بودن از عاق والدین، صله‌ی رحم و ... می‌باشد.

جامعه‌ی مخاطب قرآن، جامعه‌ای است که روابط اجتماعی آن بر اساس دستورهای قرآن می‌باشد. قرآنی بودن روابط اجتماعی به این معنا هست که قرآن، شبکه‌ی روابط اجتماعی و ساختار نهادهای اجتماعی را با معیارها و آموزه‌های خود هدایت می‌کند. البته باید توجه داشته باشیم که ذات و ماهیت روابط اجتماعی را قرآن کریم به وجود نمی‌آورد و وحیانی نیست، بلکه خداوند متعال از طریق دستورات قرآنی، هدایت رفتارهای اجتماعی را در دست می‌گیرد و دستورالعمل‌هایی برای هدایت رفتارهای اجتماعی صادر می‌کند که این امر مهم را در آیات قرآن کریم، به وضوح می‌بینیم (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۵۴).

انسان مانند برخی از جانداران دیگر، اجتماعی آفریده شده است. انسان به تنهایی قادر نیست نیازهای خویش را برطرف سازد. لذا هرکس باید در این زندگی اجتماعی نقش خود را ایفا کند. اما فرق میان زندگی اجتماعی انسان و برخی از موجوداتی که زندگی اجتماعی دارند، این است که تقسیم کار و اجرای وظیفه میان دیگر موجودات اجتماعی به حکم غریزه و به فرمان طبیعت صورت می‌پذیرد و امکان تخلف و سرپیچی از آن وجود ندارد، اما انسان موجودی آزاد و مختار است و بر اساس وظیفه و تکلیف کار خود را انجام می‌دهد. مومنی که با قرآن کریم انس برقرار می‌کند و به پیام‌ها آن لبیک می‌گوید، با افزایش ایمان و عمل پشتوانه‌ای قوی برای مراعات اصول و قواعد اجتماعی به وجود می‌آورد. هرچه تسلیم‌پذیری‌اش در مقابل قوانین الهی بیش‌تر می‌شود، با انجام اعمال صالح، در تقویت و گسترش و همگانی کردن اصول روابط اجتماعی سهم بیش‌تری ایفا خواهد کرد.

۱- روابط اجتماعی کرامت محور

انسان موجودی اجتماعی است که به تعامل و ارتباط با افرا پیرامون خود نیاز دارد. در جامعه‌ی دینی برای این ارتباطات، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که افراد در اجتماع باید روابط خود را طوری پایه‌ریزی کنند که به اصل کرامت انسان خدشه‌ای وارد نشود، چرا که بنا بر آموزه‌های قرآن، انسان دارای جایگاهی ویژه است. خداوند در آیات قرآن به این جایگاه و ویژگی انسان و برتری وی اشاره می‌کند: «و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در برّ و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم» (الاسراء-۷۰). این آیه‌ی شریفه با زبانی امتنانی درصدد بیان نعمت‌ها و شرافت‌ها و الطافی است که خداوند سبحان، بشر را به آن مفتخر کرده است. خداوند با لفظ «کرما» به تکریم نفس انسان‌ها و با لفظ «فضلنا» به برتری انسان‌ها از دیگر موجودات اشاره می‌کند.

خداوند برای حفظ شخصیت انسان‌ها در اجتماع، از گناهانی که جنبه‌ی اجتماعی دارند، نهی کرده و اموری مانند غیبت، بدبینی، تجسس، فحشاء، تکبر و ... را گناه شمرده است. برای حفظ شخصیت انسان‌ها و برای حفظ آبروی آن‌ها، ضمن عتاب شدید کسانی که نسبت‌های ناروا به دیگران می‌دهند، مقررات سختی را در اثبات جرم قرار داده است؛ مثلا برای اثبات زنا، سرقت و .. با قرار دادن شرایطی برای اثبات جرم از نابودی شخصیت افراد جلوگیری کرده است. از طرف دیگر به خوش رفتاری، راستگویی، حسن ظن به مردم، عفت و پاک‌دامنی، تواضع و برخورد مناسب با جاهلان و نابخردان دستور داده است که مراعات این امور، نشانه‌ای اساسی است از احترام به شخصیت انسان و حفظ کرامت او.

در بعد عاطفی خداوند بر نیکو سخن گفتن انسان‌ها با یکدیگر به صورت عام و صحبت کردن کریمانه با والدین و فرزندان به صورت خاص تاکید کرده است (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۵۴).

۲- اخوت و برادری

یکی از نزدیک‌ترین و محکم‌ترین ارتباط‌ها و پیوندها میان افراد بشر، پیوند و ارتباط برادری است. برادری و اخوت مظهر کامل همبستگی و علاقه و الفت است میان دو انسان که با هم زندگی می‌کنند. قرآن کریم ضمن تعمیم این علقه از برادر و خواهر نسبی به همه‌ی افرادی که ایمان

آورده‌اند، از آن‌ها می‌خواهد که به این رابطه و پیوند ناگسستی، همواره در تمام محیط‌ها و جمعیت‌ها، پایبند باشند: «به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید» (الحجرات-۱۰).

ابن عباس می‌گوید: وقتی آیه اخوت نازل شد، پیامبر اکرم (ص) میان مسلمانان پیوند برادری برقرار ساخت؛ بین ابوبکر و عمر، بین عثمان و عبدالرحمن بن عوف و بین دیگر اصحاب، طبق منزلت‌شان عقد اخوت برقرار کرد، آن‌گاه علی بن ابی طالب (ع) را به عنوان برادر خود برگزید و خطاب به علی (ع) فرمود: "تو برادر منی و من برادر تو" (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۳: ۱۴). در روایاتی، پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) نیز بر این مطلب تاکید کرده‌اند. رسول خدا می‌فرماید: «مؤمنان در مهربانی و دوستی یکدیگر چون اعضای یک پیکرند که وقتی عضوی به درد آید، اعضای دیگر آرام نگیرند» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۴۴۰).

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «مومن برادر مومن است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۴: ۷۳). این ارتباط تشریفاتی نیست. با افزایش این علقه میان افراد جامعه، حقوق و تکالیف و مسئولیت‌هایی متوجه افراد جامعه می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اهتمام به امور یکدیگر مانند برآورده ساختن نیازهای همدیگر، رفق، مدارا و تحمل برادران مومن، سلام کردن و جواب سلام را دادن. به هر میزان که افراد جامعه بیشتر پیام آیه اخوت و امثال آن را درک کنند و به لایه‌های آن پی ببرند، محبت‌ورزی و برادری هم در جامعه بیش‌تر می‌شود.

۳- ظلم نکردن و رعایت حق الناس

یکی از اهداف انبیاء تحقق و اجرای عدالت در جامعه است. در جامعه‌ی قرآنی، هر فرد ارتباطش را با افراد دیگر، بر اساس اصل «قسط و عدالت» و «احسان»، پایه‌ریزی می‌کند. مقتضای اصل «احسان» که در کنار اصل عدل قرار می‌گیرد این است که کمبودها و نیازهای افراد نیازمند جامعه تامین شود و مقتضای اصل «قسط و عدالت» این است که هر فرد حقوق و اختیارات و نیز تکالیف و وظایف خود و دیگران را همواره ملحوظ کند و در مقام عمل، رعایت کند، چراکه اگر در جامعه‌ای ظلم و ستم رواج پیدا کرد، آن جامعه به هلاکت و نابودی کشیده خواهد شد (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۵۹). خداوند سبحان می‌فرماید: «... و ما هیچ دیاری را هلاک نکنیم مگر آن‌که

اهلش ظالم و بیدادگر باشند» (القصص-۵۹). این آیه بیان گر این حقیقت است که وجود ظلم در جامعه، به گونه‌ای آن را به انحطاط می کشاند که اهل آن مستحق هلاکت می گردند، به نحوی که خود ظالمان هم بعد از دیدن نشانه‌های عذاب به آن اعتراف می کنند: «و چه بسیار اهالی شهرها را که هلاک کردیم و آنها را عذاب ما آمد آن گاه که در آسایش شب یا به خواب راحت نیمروز بودند. پس در هنگامی که عذاب ما به آنان رسید جز این اعتراف نکردند که گفتند: ما خود ستمکار و مستحق عذاب بودیم» (الاعراف-۵۴).

خداوند متعال در قرآن کریم به بعضی از نمونه‌های حق الناس اشاره می کند و می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان درباره‌ی دیگران پرهیزید، زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است. و (در کار یکدیگر) تجسس نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ این کار برای شما ناپسند است، پس در برابر خداوند پرهیزگار باشید» (الحجرات-۱۲). این آیه به خوبی نشان می دهد که حق الناس فقط در حقوق مالی مردم نیست، بلکه حفظ آبرو، اسرار و شخصیت آنان نیز جزء حق الناس است. افراد در جامعه‌ی مانوس با قرآن کریم، با دریافت‌هایی که از آیات قرآن دارند، همواره تلاش دارند، در رفتار و کردار خود عملی که منافی با عدالت باشد، مرتکب نشوند و در نتیجه زمینه‌ی تعالی جامعه‌ی اسلامی و دینی فراهم می شود.

۴- وحدت و همدلی

یکی از شاخصه‌هایی که در جامعه‌ی قرآنی فراهم می شود، حفظ وحدت و همدلی میان افراد جامعه با محوریت دستوره‌های خداوند متعال است.

قلب‌های مومنان با نخی به نام ایمان پیوند داده شده است و با یکدیگر مهربان هستند. مومنان برخلاف کافران و مشرکان که ظاهری متحد ولی دل‌هایی پراکنده دارند، بر گرد محوری به نام خداوند می گردند و از تفرقه و جدایی پرهیز می کنند. آن‌ها حتی در دل به یکدیگر کینه و حسد نمی‌ورزند و با دیگران بر سر مسائل مادی منازعه نمی‌کنند، چراکه منازعه را عامل نابودی قوت و شوکت مسلمانان و عامل رخنه و نفوذ شیطان در جامعه‌ی قرآنی می‌دانند. افراد جامعه‌ی قرآنی، وظیفه‌ی خود می‌دانند که اگر اختلافی میان افراد یا گروه‌هایی از جامعه رخ داد، به پا خیزند و با آشتی دادن طرفین دعوا، راه نفوذ شیطان را سد کنند و اگر یکی از طرفین بر زورگویی اصرار کرد

و تسلیم فرمان الهی نشد، به کمک گروه مظلوم بروند و گروه ستمگر را به خضوع در مقابل فرمان الهی وادار کنند (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۶۱-۳۶۰).

وحدت و یک‌دلی، قدرت و عظمت ملت را به همراه دارد، اما تفرقه و کشمکش، ذلت، خواری، سستی و ضعف آن‌ها را در پی خواهد داشت.

حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «پس از دورنگی و دورویی در دین خدا بپرهیزید؛ زیرا اجتماع در آنچه حق است و آن را میل ندارید، بهتر است از تفرقه و جدایی در آنچه باطل است و آن را دوست می‌دارید و خداوند سبحان بر اثر تفرقه و جدایی به هیچ‌کس از گذشتگان و باقی ماندگان خیر و نیکی عطا نفرموده است (سید رضی، ۱۴۱۴: ۲۵۵). از این سخن حضرت برمی‌آید که مقتضای سنت الهی که در گذشته و حال و آینده جریان داشته و دارد این است که خیر در وحدت است و شر در تشتت میان امت‌ها.

حقیقت همدلی و کنه آن را باید در قرآن و روایات پیدا کرد، همدلی مورد نظر قرآن و اهل بیت(ع)، از دیگر همدلی‌های ساختگی که ریشه و مبنایی ندارند و بر محور باطل شکل گرفته‌اند، متفاوت است (درویشی، ۱۳۹۵: ۱۸). قرآن کریم با دعوت مومنین به مودت و دوستی، تعاطف و ترحم، تواضع و فروتنی، صبر و استقامت و... جامعه‌ی خود را به سمت وحدت و همدلی پیش می‌برد.

۵- کنترل اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)

دین مبین اسلام، دینی نیست که از مسلمانان فقط توجه به مسئولیت در برابر خدا و خود را خواسته باشد، بلکه دین اسلام همواره از افراد جامعه‌ی خود می‌خواهد که در عین توجه به مسئولیت در برابر خداوند، از توجه به افراد دیگر و محیط اطراف غافل نشوند، چراکه مسئولیت تکون جامعه‌ی سالم و دینی علاوه بر این که بر عهده‌ی حاکم و حاکمیت است، بر عهده‌ی آحاد جامعه‌ی دینی نیز می‌باشد. مهم‌ترین جلوه‌ی اهتمام شرع مقدس به کنترل اجتماعی و مسئولیت انسان در برابر دیگر افراد، در فرمان امر به معروف و نهی از منکر است، چراکه این دو واجب، مهم‌ترین نماد و جلوه‌ی احساس مسئولیت در جامعه و عامل فلاح و رستگاری آن هستند (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۶۲).

در این خصوص در قرآن کریم آمده است: «و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود» (آل عمران-۱۰۴).

اهتمام دین اسلام به امر به معروف و نهی از منکر این است که اندوخته‌های علمی و فکری انسان که گاهی با گذشت زمان فراموش می‌شوند را پیوسته یادآوری می‌کند و در مرحله‌ی عمل تکرار شوند. به‌هم‌چنین باعث نهادینه شدن رفتار و کردار شایسته و پاسداری فرهنگ و معرفت دینی می‌شود.

از یک سو، انگیزه‌های معنوی در برخی افراد به حدی قوی نیست که آن‌ها را در مسیر صلاح و هدایت قرار دهد و از منکرات بازدارد. امر به معروف و نهی از منکر سبب ایجاد و تقویت معنویت در افراد می‌شود. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر این که گاهی به اجبار، فراریان از دستورهای دین را به سوی دین سوق می‌دهد، پرتو ایمان و معنویت را بر جان پاک سرشت می‌تاباند و رسوبات هوا و هوس را از اعماق جان و فطرت آن‌ها می‌زداید (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۶۳).

از سوی دیگر، همان‌گونه که حضرت علی(ع) هم می‌فرمایند، در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر زنده است، مومن در پیمودن راه حق احساس تنهایی نمی‌کند، بلکه برعکس افراد زشتکار خود را در غربت و تنهایی می‌بینند و این احساس، عاملی برای رها کردن رفتار ناشایسته‌ی آنان خواهد بود. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «آن کس که امر به معروف می‌کند، از مومنان پشتیبانی کرده است و باعث اقتدار و دلگرمی آن‌ها می‌شود و هر کس که نهی از منکر می‌کند، بینی تبهکاران را به خاک می‌مالد» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۷۳).

علاوه بر آیاتی که ذکر شد، در قرآن کریم بارها از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیفی ویژه‌ی امت پیامبر اکرم(ص)، یاد شده است. بنابراین جامعه‌ای که این آیات را مبنای روابط اجتماعی خود قرار می‌دهد، خود را ایمن می‌کند و فرهنگ و معرفت در آن ارتقاء پیدا می‌کند.

۶- تعاون در کارهای خیر

تعاون از اصول اخلاق اجتماعی و از اصول زندگی اجتماعی است که آیات قرآن به آن پرداخته است و هیچ کس در هیچ وضعیتی از آن بی نیاز نیست؛ چراکه انسان موجودی اجتماعی است.

امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: «روزی در محضر رسول اکرم (ص) دعا کردم: خدایا مرا به هیچ یک از بندگانت محتاج نکن. پیامبر (ص) فرمود: ای علی چنین نگو؛ نمی شود کسی به دیگران محتاج نباشد. پرسیدم: پس چگونه دعا کنم؟ فرمود: بگو خدایا مرا به بندگان بد خویش محتاج نکن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۰: ۳۲۵).

بنابراین، همه ی افراد جامعه، نیازمند یکدیگرند و باید به کمک دیگران بشتابند تا در وقت نیاز دیگران هم به او کمک و یاری برسانند.

حضرت امیر (ع) می فرماید: «همان گونه که یاری می رسانی، یاری می شوی» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۳۵).

بر اساس آیات قرآن کریم، تعاون و همکاری به دو گونه ی مثبت و منفی می باشد. تعاون باید در مسیر خیر و نیکی باشد. قرآن مجید تعاون و همکاری های مثبت را در دو کلمه ی «بر» و «تقوا» خلاصه و به پیروان خویش سفارش کرده است فقط در اجرای این دو همدیگر را یاری رسانند: «همدیگر را در بر و تقوا یاری کنید» (المائدة-۲).

این آیه به شکلی مسئولیت مشترک اجتماعی و تضامن جمعی را بر دوش تمامی مؤمنان قرار داده است؛ از این رو، مثلاً عالمان و توانگران و قدرتمندان در برابر جاهلان و فقیران و ضعیفان مسئول هستند (مغنیه، ۱۴۲۵: ۱۳۶).

محور این تعاون و همکاری، ممکن است امام باشد. امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید: «مرا با ورع و کوشش و پاکدامنی و درستکاری یاری رسانید» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۱۷). ممکن است محور آن هم آحاد افراد جامعه باشند، یعنی بر تک تک شهروندان کشور اسلامی فرض و ضروری باشد که هم کیشان خود را از هر رنگ و نژادی که باشند، در بر و تقوا، یاری رسانند و به این منظور از هیچ کوششی در میدان های علمی، فرهنگی، اقتصادی، عبادی، فردی و اجتماعی دریغ نکنند. مفهوم تعاون، چه در راه حق و چه در راه باطل، در برخی آیات دیگر نیز آمده است.

دریافت پیام این آیات توسط مخاطبان قرآن کریم، روحیه تعاون در کارهای خیر و پرهیز از تعاون در بدی‌ها را در جامعه تقویت می‌کند.

۷- سیستم از تباطی مبتنی بر نصیحت و خیرخواهی

خیرخواهی و نصیحت و امر به معروف به معنای درخواست عمل یا سخنی است که مصلحت‌کننده‌ی آن کار و گوینده‌ی آن کار و گوینده‌ی آن سخن را در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، دعوت به آن چه که صلاح مخاطب در آن باشد و نهی از چیزی که تباهی و فساد در پی آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۸). بنابراین، از دیدگاه اسلام یکی از وظایفی که افراد جامعه‌ی دینی در برابر یکدیگر دارند این است که همواره کسانی را که به هدایت و راهنمایی نیاز دارند، نصیحت کنند یا نصیحت‌نصیحت‌کننده را با رویی باز و گشاده پذیرا شوند. لذا امام علی (ع) اجتماعی را که فاقد «نصیحت‌گر» و «نصیحت‌پذیر» باشد، فاقد خیر و نیکی می‌داند و می‌فرماید: «کسی که در برابر خیرخواهی دیگران، بی‌تفاوت باشد یا بجای پذیرش نصیحت‌ناصح، در برابر او جبهه‌گیری کند، هرگز به موفقیت نخواهد رسید و طعم تلخ شکست را خواهد چشید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۹۱).

اگر انسان‌های شایسته با آداب و شرایط لازم به خیرخواهی مردم بپردازند و آن‌ها هم نصیحت خیرخواهان را به کار بگیرند، خیر و سلامت جامعه را فرامی‌گیرد، شر و پلیدی از آن رخت بر می‌بندد، کاستی‌ها به تکامل، فقر به غنا، وحشت به امنیت، کینه‌توزی به امنیت و ضعف به قدرت تبدیل می‌شود، نارسایی‌ها جبران می‌گردد و استعدادها خفته شکوفا می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به هدف نزول قرآن کریم که برای هدایت و دستگیری از بشر است، رابطه‌ی مسلمانان و مؤمنان با قرآن کریم باید رابطه‌ای خاص باشد، باید آیات الهی را خطاب به خود بدانند، در غیر این صورت در درک مراد آیات به خطا می‌افتند. مراد از آیاتی که ماجرای اقوام گوناگون، داستان پیامبران، اتفاقات صدر اسلام، حکایت منافقان و مؤمنان و کافران و ... را بیان می‌کنند را در صورتی می‌توان درک کرد که خود را مخاطب آن‌ها قرار دهیم.

هر یک از آیات قرآن کریم بطونی دارد، مخاطب با توجه به مرتبه و موقعیتی که دارد، معنایی متناسب با حالتش برایش ظهور می‌کند و آن خطاب را دریافت می‌کند. گاه ممکن است در هر مرتبه از تلاوت یک آیه، جزئی از آن آیه در نظرش جلوه کند و گاه نیز ممکن است تمام آیه برایش معنای دیگری پیدا بکند.

برای این که بتوانیم مراد خداوند تبارک و تعالی را از آیات قرآنی به خوبی فهم کنیم، بایستی به عنوان مخاطب آیات قرآن، جایگاه خود را به درستی درک کنیم. این شکل مواجهه با قرآن کریم، بسته به میزان و نحوه توجهی که مخاطب به حقیقت آیات می‌کند، ثمراتی در جهت هدایت و تربیت فردی شخص مخاطب مانند انس با قرآن، افزایش ایمان، آرامش قلب و کاهش اضطراب، شفای امراض روحی و برطرف شدن رذائل اخلاقی، کم شدن فاصله زمانی شخص با قرآن کریم، رسیدن به روح کلی حاکم بر قرآن، بصیرت و آگاهی، رسیدن به برخی از مراتب عصمت الهی، خروج از همه‌ی تاریکی‌ها و رسیدن به نور مطلق و بی‌پایان ذات الهی دربردارد که با آنچه در فرضیه مطرح شده بود مطابقت دارند.

هم‌چنین آثاری در نسبت با اجتماع به دنبال دارد که ما پس از بررسی بیش‌تر آن‌چه را که در فرضیه بیان کرده بودیم را به صورتی دقیق‌تر و کامل‌تر در دو سطح کلان و خرد بررسی کردیم: با توجه به این که قرآن کتابی است که از جانب خدایی نازل شده است که آفریدگار همه‌ی موجودات است و به همه‌ی جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان احاطه دارد و بر همین اساس برای سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها برنامه دارد، جامعه‌ای که به دستورات و فرامین قرآنی توجه می‌کند و خود را مخاطب قرآن می‌داند، در سطح کلان باعث می‌شود که دین در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی مردم حضور داشته باشد و تمام تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها بر اساس دستور شرع مقدس صورت پذیرد و در شاخصه‌هایی مانند توحیدمحور شدن جامعه، اجرای قوانین مبتنی بر شرع مقدس اسلام، اقامه‌ی دین و فرمان‌های آن و تبیین جایگاه و نقش خانواده از قرآن اثر پذیرد. در سطح خرد هم آثاری مانند ایجاد روابط اجتماعی کرامت‌محور، اخوت و برادری، رعایت حق الناس، وحدت و همدلی، تعاون در کارهای خیر، ترویج امر به معروف و نهی از منکر و سیستم ارتباطی مبتنی بر خیر و نصیحت را به همراه خواهد داشت.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- احسانی، محمد(۱۳۸۷ش)، زبان قرآن و تعلیم و تربیت، معرفت: شماره ۱۳۰.
- افشاری، عالیہ(۱۳۹۰ش)، مخاطبان قرآن کریم، دانشکده الهیات دانشگاه قم.
- اکبری، منوچهر؛ سپهری، رقیه(۱۳۸۸)، لزوم شناخت مخاطب از دیدگاه علوم بلاغی، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب ۸ (بهار و تابستان): ۱۹۲ تا ۲۰۵.
- انصاری، رضا (۱۳۹۷ش)، شاخصه‌های جامعه‌ی دینی از دیدگاه قرآن کریم، قم: دفتر نشر معارف.
- ایازی، محمد علی(۱۳۷۵ش)، قرآن و تفسیر عصری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- باستانی، زینب(۱۳۸۵ش)، زبان قرآن، بینات، شماره ۵۱.
- بستان، حسین(۱۳۹۰ش)، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام(۱۴۰۹ق)، قم: مدرسه الامام الهادی علیه السلام.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد(۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳ش)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۸۹)، سرچشمه‌ی اندیشه، ج ۵، قم: اسراء.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله(۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار المعرفه.
- حر عاملی، محمد بن حسن(۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث.
- حسن زاده، رحیم(۱۳۹۴ش)، بدایه السلوک، قم: وحدت بخش.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، آداب الصلوئه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- درویشی حسینی‌نیا، عیسی(۱۳۹۵ش)، شاخص‌های بارز همدلی در قرآن و حدیث، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ایلام.
- دیلمی، حسن بن محمد(۱۴۰۸ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البیت(ع).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم چاپ اول.
- ساروخانی، باقر(۱۳۸۹ش)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش.
- شجاعی، محمد(۱۳۹۳ش)، مقالات استاد محمد شجاعی، جلد اول، تهران: سروش.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، به تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
- شیخ بهایی، محمد مجید(۱۳۸۹ش)، مخاطب شناسی و نقش آن در فهم روایات اهل بیت(ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت مدرس تهران.

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، میزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، بتحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۶۳ش)، الوافی، اصفهان: کتابخانه‌ی امیر المومنین (ع). کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، تهران: کتاب‌فروشی علمیة الاسلامیة. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: موسسه التمهید. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة. نصیری خلیلی، فاطمه (۱۳۹۴ش)، مخاطب‌محوری در قرآن و روایات، دانشکده هیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران.
- نکونام، جعفر (۱۳۷۸ش)، روش تفسیر ظاهر قرآن، صحیفه مبین ۱۹ (تابستان): ۴۴ تا ۶۱.



